

«تأملی در شیوه‌های بیدارگری اثربخش زینب(س)، بزرگ‌مروج قیام عاشورا»

محمد مهدی فتوره‌چی^۱

مقدمه

تبلیغ به‌عنوان کوششی سازنده در گسترهٔ ادیان، همواره مورد توجه پیامبران الهی و پیروان آنان بوده است. قرآن کریم اهمیت تبلیغ را در دعوت بشریت به هدف خلقت و اجتناب از کفر و طاغوت دانسته است. امام حسین(ع) با توجه به رسالت عظیم خود در هدایت بشر به‌عنوان امام جامعه، دعوت خود را از راه قیام آغاز کرد و با شهادت خود و اسارت اهل بیت(ع) بهترین شیوهٔ ابلاغ دین را در آن زمان به‌کار برد (مروت، طیبه، قدس، ۱۳۸۲).

بعد از واقعهٔ عاشورا، حضرت زینب(س) به‌عنوان رهبر کاروان اهل بیت(ع) به وظیفهٔ خود که نشر اهداف قیام حسینی و آشکار کردن ماهیت قیام ابا عبدالله الحسین(ع) بود، عمل کرد و با بیان خطبه‌های مهیج و آتشین با مضامین و محتوای ارزشمند، رسالت امام حسین(ع) را به اتمام رسانید، به‌طوری‌که بسیاری از مورخان اسلامی اذعان داشته‌اند که اگر زینب(س) بعد از قیام عاشورا حضور فعال خود را در این جایگاه به اثبات نمی‌رساند، واقعهٔ کربلا در همان جا می‌ماند (همان، نقل به مضمون).

اگرچه نام زینب کبری(س) با واقعهٔ عاشورا پیوند خورده است، نباید نقش این بزرگوار را تنها در کربلا خلاصه کرد؛ رسالت زینب(س) در به ثمر رساندن پیام عاشورا، برآیند جریان تربیتی برنامه‌ریزی‌شده و شناخت عمیق دینی در سایه‌سار پرورش امامی همچون علی و مادری چون زهراء(س) است، علاوه‌برآنکه جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و مخاطب‌شناسی او گواهی بر فکر و اندیشهٔ بلند این شخصیت الهی است؛ و بی‌شک توفیق آن بزرگوار در حرکت سیاسی، فرهنگی ابلاغ پیام مظلومیت حسین(ع) را می‌باید با ساختار فکری، علمی و نظری عمیق ایشان که در قالب خطبه‌های آتشین متجلی شد و همچنین بهره‌گیری مناسب وی از شیوه‌های تبلیغی در پیام‌رسان واقعهٔ عاشورا مرتبط دانست.

۱- دکتری علوم ارتباطات اجتماعی و پژوهشگر بخش مطالعات رسانه و فرهنگ - مؤسسهٔ مطالعات و تحقیقات اجتماعی
mmfatorehchi@yahoo.fr دانشگاه تهران

انگاره‌های نظری قیام عاشورا

در تحلیل قیام تاریخی عاشورا و تبیین فلسفه و چرایی آن، نظریه‌های گوناگونی بیان شده است که بعضاً در تقابل با یکدیگرند؛ نظریه‌هایی چون شهادت، امر به معروف و نهی از منکر (یا تبلیغ)، احیای دین و مبارزه با بدعت (بیدارگری)، شفاعت، حکومت، اتمام حجت، تبلیغ کتاب و... در این بیان قول مشهور و رایج در تحلیل قیام کربلا همان نظریه شهادت است که حرکت امام حسین(ع) به همراه یاران و بستگان خویش از مدینه به کربلا را به مقصد شهادت و در جهت افشای مظالم یزید، بیدارسازی و تحریک مسلمانان به قیام بر ضد خلافت و جور و در نهایت زمینه‌سازی برای تشکیل حاکمیت توحید در زمین ارزیابی می‌کند (راز جاودانگی، نقل به مضمون، ۱۳۸۲).

بر پایه نظریه شهادت، امام حسین(ع) با علم کامل به فرجام خونین خویش به حکومت طاغوت «نه» گفته و خود را به آتش خشم یزیدیان زده است تا معیاری جاودانه برای مسلمانان در شناخت سنت نبوی(ص) از فتنه‌ها و بدعت‌های اموی باقی گذارد و اسلام در نقطه اوج حاکمیت «نفاق»، برای اثبات «خلوص و بندگی» خویش، به چنین نمایش فداکارانه‌ای نیاز داشته است؛ البته برای پرهیز از تحلیل‌های تک‌ساحتی یا تک‌علتی، نظریه دیگری به‌نحوی «جامع» تضادها و تناقض‌های ظاهری میان آنها را آشکار کرده و می‌توان از آن با عنوان «بداء» یا «رضا به قضا» یاد کرد. نظریه اخیر، علاوه بر «چندمرحله‌ای» انگاشتن قیام حسینی، آن را در گوهر، دارای «پرده‌ها و لایه‌های تو در تو» می‌شمارد که عملاً همراه و همدوش با هم، سرشت و سرنوشت قیام را رقم می‌زنند و فهم کامل و عمیق «جنبش عاشورا، به‌مثابه نهضتی با اهداف چندمنظوره در گرو شناخت «نظام‌مند» آن لایه‌ها و تعامل دقیق آنها با یکدیگر است (همان، نقل به مضمون).

از بین نظریه‌های مذکور، نظریه «احیای دین و مبارزه با بدعت»، به نوعی از جمله مهم‌ترین اهداف اصلاح‌گرانه و متعالی امام معصومی است که تنها در سایه بذل جان شریف و گرانبهای خود و اهل بیت طاهرینش تحقق می‌یافت و از این‌رو نظریه شهادت نیز در پرتو چنین رویکرد و هدف بلندی می‌تواند قابل تبیین و تعمیم به نظریه احیای دین باشد، به‌ویژه آنکه قتل مظلومانه فرزند پیامبر(ص) سبب رسوایی خلافت جور، بی‌اعتبار شدن بدعت‌های آشکار در دین، بیداری و قیام مسلمانان برای ستیز با ظلم و نهایتاً پی افکندن نظام عدل و آزادی شد.

چنانچه در این بررسی، نظریه شهادت و احیای دین و مبارزه با بدعت (بیدارگری) را توأمان به‌عنوان انگاره‌ای غالب بر قیام عاشورا مورد پذیرش و استناد قرار دهیم، بی‌شک می‌توان نقش و رسالت حضرت زینب(س) را در ابلاغ و نشر پیام مظلومیت خونین امام بر حق، با هدف تکمیل رسالت حسینی و نیز افشای چهره پلید حاکمان فاسق و فاجر بنی‌امیه و نقش‌آفرینی بی‌مثال

ایشان در نشر پیام خونبار حسین(ع) را در راستای بسط این انگارهٔ تلفیقی در این بررسی اجمالی تعمیم داد؛ به‌ویژه آنکه بازگویی حکایت پر رمز و راز واقعهٔ عاشورا و رسوایی آن خاندان گمراه و افشای مظالم بی‌شمار امویان، بدون حرکت کاروانی غم‌بار از اسرای اهل بیت و بی‌حضور و راهبری پیام‌آور صادقی چون زینب(ع)، پرورش‌یافته در مکتب انسان‌ساز پدری، چون علی(ع)، ممکن نمی‌شد.

زینب، پیام‌آور عاشورا، منبعی گواه، صادق و بی‌همتا

بی‌شک یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های اثربخشی هر پیام و در نتیجه اقناع مخاطبان آن، وجود منبع موثق و معتبر برای بازتاب و بازگویی هر رویداد و واقعهٔ اجتماعی، فرهنگی و تاریخی است، به گونه‌ای که ضامن صحت و درستی هر خبری در گرو وجود منبعی صادق و آگاه است، تا آنجا که کارشناسان فن در اولین ارزیابی، خبر غیرموثق و نادرست را به بی‌اعتباری منبع آن منتسب می‌کنند. بیان واقعهٔ جانگداز عاشورا و شرح مصائب و صحنه‌های جانسوز آن، مطابق با واقعیات تاریخی رویداد، به گونه‌ای که حق مطلب ادا شود و رسالت ابلاغ پیام احیاگر دین که تنها با ریختن خون امام راستین و برحق چون حسین کامل می‌شد، بدون وجود مبلغی عالم، شجاع، متوکل و صبور ممکن نبود.

حضرت زینب(س) با آن روح بزرگ و قدسی از ایفای رسالت ابلاغ حقانیت حسین(ع) و افشای ماهیت پلید خاندان امویان، با تحمل بلاها و مصائب جانفرسا به بهترین صورت قابل تصور برآمد، و بی‌شک بدون برخورداری از ویژگی‌های شخصیتی متعالی و فضایل علمی و اخلاقی برجسته چنین موفقیتی در ابلاغ پیام حسین امکان‌پذیر نبود؛ اگرچه گوهر وجود بی‌مثال آن حضرت، بنا به تعبیر استاد مطهری، بعد از واقعهٔ کربلا و تحمل مصائب جانفرسا، عظمت و شکوه بیشتری یافت. اما لازمهٔ ایفای رسالت سنگین ابلاغ پیام مظلومیت حسین(ع) و افشای شجاعانه و اثربخش ماهیت حاکمان بنی‌امیه، متضمن برخورداری از خصائصی است که در ادامهٔ این گفتار، برخی از مهم‌ترین آن ویژگی‌ها در حد بضاعت و در راستای تبیین ابعاد وجودی وی که به درک شخصیت مبلغ آن پیام خونین، سودمند واقع شود بر شمرده می‌شود.

ابعاد وجودی و کمتر شناخته‌شدهٔ پیام‌آور عاشورا

زینب کبری در خانهٔ پدر، مونس و همدم پدری چون علی(ع) بود و در دامن مادری چون فاطمه(س) به فضایی آراسته شد که هیچ دختری در مدینه به آنها دست نیافته بود؛ اگرچه متأسفانه گاهی برخی واعظان و منبریان بر نکاتی از شخصیت ایشان انگشت می‌گذارند که کارکرد احساسی دارد تا بر مخاطب تأثیری گذرا بگذارد، ابعاد مختلف شخصیت و نقش آن

بانوی گرامی تا این زمان برای جامعه به‌درستی شناخته نشده است. برای مثال، کمتر مورخی از جلسات پرسش و پاسخ سلسله‌وار علمی ایشان، جلساتی که به‌طور مرتب و پیوسته به‌منظور تفسیر قرآن و حدیث و تشریح علوم دینی بر پا می‌شد، سخن گفته‌اند؛ کمتر شنیده شده است که حتی مردان برای طرح احکام فقهی خود به ایشان مراجعه می‌کردند یا حتی در مواردی، حضرت امیر، حل برخی اختلاف نظرهای موجود در جامعه را به ایشان واگذار می‌کردند (حاتمی، ۱۳۸۳، نقل به مضمون). آشنایی عمیق با علوم دینی، تفسیر و بصیرت و شناخت آن بزرگوار با تاریخ و معرفت‌شناسی دینی بسیار شایان توجه است و از این‌رو خطبه‌های آن حضرت به‌واسطه چنین پشتوانه علمی حاوی بحث‌های مهم تفسیری، روایی، کلامی و اعتقادی است. ارزش و عظمت زینب کبری، به‌دلیل موضع و حرکت عظیم انسانی و اسلامی او در پیام‌رسانی مظلومیت حسین براساس تکلیف الهی بود و لذا پس از شهادت حسین بن علی که دنیا ظلمانی شد، این عقیده بنی‌هاشم به‌سان نوری در دل و جان و آفاق عالم درخشید و به جایی رسید که فقط والاترین انسان‌های تاریخ بشریت، یعنی پیامبران می‌توانند بدانجا راه یابند (خامنه‌ای، ۱۳۷۰: ۱). او به‌خوبی می‌دانست که زاده و پرورده شرافت و عزت است و بی‌تردید، علاوه بر این آگاهی و پرورش آن ویژگی‌های متعالی شخصیتی، یک مشیت الهی هم وجود داشته تا ایشان برای جامعه، مرجعیت و حجیت فکری و اعتقادی پیدا کند (فرهمنده، ۱۳۸۴، نقل به مضمون).

حضرت زینب(س) از همان دوران کودکی با مصیبت و فاجعه‌ای دردناک روبه‌رو بود. رحلت پیامبر(ص) در پنج سالگی او و حادثه‌های رقت‌انگیزی که در آن روز درون و برون خانه ایشان رخ داد، از جمله بیماری مادر و سپس شهادت ایشان، تحمل و نظاره بر رنج‌ها و مصیبت‌های پدر و شکوه‌هایی که از ستم زمانه داشت و دلخراش‌تر از آن، هاله‌ای از ترس و پنهان‌کاری که این خانواده را فرا گرفته بود، آه و فغان زینب را پیوسته در وجودش شعله‌ور می‌کرد و این همه در حالی بود که حتی کودکان علی و فاطمه اجازه شیون و زاری به صدای بلند را نداشتند. او نیز باید دوره‌های سخت آزمایش را یکی پس از دیگری می‌گذراند و برای تحمل روزهای دشوارتر و مصیبت‌بارتر و ابلاغ رسالت سنگین حسین(ع) آماده می‌شد. آن حضرت با وجود داشتن همسر و فرزند، همچون یک مادر، پرستاری پدر را از یاد نمی‌برد. او در عراق شاهد پیشامدهای شگفتی از جمله شهادت پدر بزرگوارش در محراب مسجد کوفه بود و پس از آن، بیعت مردم کوفه با برادرش امام حسن(ع) و نافرمانی از ایشان و سرانجام هجوم به خیمه امام و شکستن ران آن بزرگوار و در تنگنا قرار گرفتن ایشان برای عقد پیمان آشتی با معاویه که موجبات سرزنش و زخم زبان دشمنان دوست‌نما شد را شاهد بود. اما این همه رنج و اندوه دشوار، به‌جای آنکه او را از ادای وظیفه باز دارد، بر استقامتش افزود و قوای روحی‌اش را برای تأثیربخشی هرچه بیشتر ابلاغ پیام حسین نیرومند می‌ساخت (راحمی‌پور، ۱۳۸۳).

آن بزرگوار قریب به ۳۰ سال از زندگی پر رمز و راز پدر را درک کرد و در دوران سخت حکومت علی(ع) درحالی که تنها ۲۵ سال داشت، با تمامی توطئه‌های زمانه آشنا شد. ایشان به کرات مویه‌ها و درد دل‌های آن حضرت را می‌شنید و به‌خوبی در جریان دسیسه‌های جنگ‌های صفین، نهروان و... قرار داشت. زینب تجربه تلخ حکومت محدود ۶-۵ ماهه امام حسن(ع) را نیز از نزدیک دیده بود و صلح او و حکومت تلخ و تحمل ایشان را که در غربتی عجیب به‌سر می‌برد، به‌عنوان محرم راز و مونس او درک کرده بود. در واقع حضرت زینب در دوران زندگی پدر و سپس امام حسن(ع) به‌ویژه در دوره خلافت معاویه متحمل مصیبت‌های بسیاری شد، درحالی‌که از طرف دشمن، حکومت و حتی دوستان ناآگاه تحت فشار بود (حاجیان، ۱۳۸۳، نقل به مضمون). بی‌گمان اگر تحمل مصائب دشوار واقعه کربلا و شهادت جانگداز حسین و فرزندانش بر زینب ممکن شد و همچون رقیه از فراغ غم‌بار پدر در آن ایام حزن و اندوه، جان عزیزش را به جانان تسلیم نکرد، در پی تحمل انواع رنج‌ها و مشقات پی در پی از دوران کودکی تا بزرگسالی ممکن بود، تا آنجا که تجربه آن همه بلا و مصیبت غمناک، از او شخصیتی شجاع، راسخ، صبور و پولادی آبدیده ساخت و از این‌رو ایفای ابلاغ پیام مظلومیت حسین در بهترین شکل ممکن در سایه وجودی تحقق پیدا کرد که بارها در کوران حوادث از امتحانات الهی سربلند برخاسته بود.

مفهوم تبلیغات از چند منظر

ساده‌ترین تعریفی که می‌توان برای تبلیغات ارائه کرد عبارت است از رساندن پیام یا خبر. تبلیغات یعنی انتشار و ترویج منظم و برنامه‌ریزی‌شده یک نظر، عمل و کالا. مطابق تعریفی دیگر، تبلیغ کوششی است تعمدی و حساب‌شده که به‌منظور شکل دادن به دریافت، دستکاری کردن ادراک و همسو کردن رفتار مخاطبان با نیت مورد نظر مبلغ صورت می‌گیرد. از دیدگاه خاص ارتباط‌شناسی، تبلیغ همانند ارتباط، فراگردی است مقید به شرایط زمانی و مکانی که با ویژگی‌های اجتماعی قابل شناخت است.

امیر مؤمنان(ع)، اهداف تبلیغی پیامبر اسلام را ابلاغ وحی، از بین بردن فاصله‌های اجتماعی، ایجاد وحدت، اصلاح ذات‌البین، دعوت به‌سوی پروردگار، شجاعت و پافشاری در ابلاغ حق و استفاده از حکمت و موعظه همراه با نصیحت و خیرخواهی بر شمردند.

امام خمینی(ره) تبلیغ را شناساندن خوبی‌ها و تشویق به انجام آن، ترسیم بدی‌ها و نشان دادن راه گریز و منع از آن دانستند و آن را از اصول بسیار مهم اسلام عزیز بر شمردند.

عوامل اثربخش در ابلاغ پیام

در فرایند انتشار پیام، باید مراحل طی شود تا مخاطب تحت تأثیر قرار گیرد. مرحله اول دریافت پیام از سوی مخاطب به طور کامل، فهم و درک آن، پذیرش و قبول پیام از سوی مخاطب و در مرحله دیگر تأثیر و عمل به آن از طرف مخاطب است. انواع تبلیغات برای اثربخشی به متقاعد کردن مخاطبان نیاز دارد. متقاعد کردن فرایندی برای تغییر نگرش است و برای این هدف باید از روان‌شناسی اجتماعی کمک گرفت (سید محسنی، ۱۳۸۱: ۶۹). متقاعدسازی به نوعی ایجاد دگرگونی عواطف و احساساتی است که ممکن است به رفتار مورد نظر مبلغ منتهی شود. در حوزه روان‌شناسی نیز هر ارتباط متقاعدگرانه به چهار عامل وابسته است؛ پیام‌دهنده، پیام، مجرا و مخاطب. بنابراین همان‌گونه که لاسول بیان کرده است، اهمیت خواهد داشت که "چه کسی، چه چیزی را، از چه طریقی، به چه کسانی می‌گوید و با چه تأثیری". در چنین فرایندی، هریک از متغیرهای ارتباطی می‌توانند از درجات مختلف تأثیرگذاری برخوردار باشند، به طوری که ممکن است ضعف یکی از عناصر و متغیرها به شکست نهایی برنامه تبلیغی برای اثربخشی بینجامد. عوامل دیگری همچون اعتبار و شأن پیام‌دهنده، قابلیت اعتماد مخاطب به آن و جذابیت و تخصص تا حد زیادی در جذب و اثربخشی پیام و متقاعد شدن مخاطب تأثیر دارد. در واقع تبلیغ مؤثر مستلزم آن است که از نظر احساسی و عاطفی میان تبلیغ و پیام گیرنده همدلی وجود داشته باشد. اثربخشی پیام، آخرین فرایندی است که به تغییر فکر، ایده و عمل و رفتار مخاطب و آنچه مورد نظر فرستنده پیام یا مبلغ است می‌انجامد (همان: ۷۰).

ابزار و رسانه ابلاغ پیام

انتخاب ابزار مناسب در فرایند اقدام تبلیغی به منظور انتشار پیام باید با خصوصیات مخاطبان و نحوه پراکندگی آنان متناسب باشد. مبلغ باید از مناسب‌ترین ابزار انتشار پیام در پیشبرد اهداف خویش بهره بگیرد. همان‌گونه که امام حسین (ع) برای تبلیغ فرهنگ عاشورا، مراسم حج و شهر مکه را انتخاب کرد و در اجتماعات مهم حاجیان، سخنرانی‌های روشنگرانه و هدایت‌بخشی را سازماندهی کرد. زینب (ع) و همراهان مصیبت‌دیده‌اش از زن و کودک نیز با قافله "کاروان اسرای کربلا"، گزارشگران و پیام‌آوران راستین واقعه عاشورا و اندیشه‌های بلند امام حسین (ع) به نسل‌های بعد شمرده شدند. کاروان اسرا به مثابه رسانه‌ای سیار و خونبار پیام مظلومیت اهل بیت را منزل به منزل و در هر کوی و برزن با غریو محزون و غمناک زینب در گوش ناظران سر می‌داد؛ شیوه‌ای که بی‌شک پیش از آن و حتی پس از آن دوره غم‌بار در ابلاغ پیامی به مخاطبان این گونه تجربه نشده بود.

کاروان اسرا، رسانه‌ای بی‌همتا در ابلاغ پیام

در راستای اهداف تبلیغی پیامبر اکرم، اهل بیت(ع) در دوران امامت خود با ابزارهایی چون وعظ و پند، تأسیس حکومت اسلامی، جنگ و جهاد، صلاح و سکوت، تدریس، دعا، تقیه، مناظره و رفع شبهات فکری و مکتبی و قیام به تبلیغ دین پرداختند. امام حسین(ع) با توجه به رسالت عظیم خود در هدایت بشر به‌عنوان امام جامعه، دعوت خود را از راه قیام آغاز کرد و با شهادت خود و اسارت اهل بیت(ع) بهترین ابزار و شیوه ابلاغ دین را در آن زمان به‌کار گرفت؛ بعد از واقعه عاشورا نیز، حضرت زینب(س) به‌عنوان رهبر کاروان اهل بیت(ع) به وظیفه خود که نشر اهداف قیام حسینی و آشکار کردن ماهیت قیام ابا عبدالله الحسین(ع) بود، عمل کرد و با بیان خطبه‌های آتشین با مضامین و محتوای ارزشمند، رسالت امام حسین(ع) را به اتمام رسانید، چنانکه بسیاری از مورخان اسلامی اذعان کرده‌اند اگر زینب(س) بعد از قیام عاشورا حضور فعال خود را در این جایگاه به اثبات نمی‌رساند، واقعه کربلا در همان جا می‌ماند؛ در واقع آن چیزی که موجب تثبیت جایگاه امامت و خاندان رسالت و حفظ ارزش‌های اصیل اسلام شد، حرکت انقلابی حضرت زینب(س) و کاروان اسرا بود (مروت، ۱۳۸۲)، کاروانی که به‌مثابه رسانه‌ای سیار مظلومیت امام حسین(ع)، خاندان و یارانش را در طول تاریخ به گوش جهانیان رسانید. چنانکه به زعم مک‌لوهان "رسانه را همان پیام بدانیم"، بی‌شک بهترین مصداق این تعبیر کاروان اسیران مظلوم عاشوراست، کاروانی که پیش از هر رسانه دیگر با پیام خونینی به وسعت تاریخ به حرکت درآمد و اگرچه پس از طی چند منزل متوقف ماند، از آن پس پیام مظلومیت حسین و اهل بیت پیامبر را بی‌هیچ محمل و مرکبی در هر زمان و مکان تا ابدیت ساری و جاری ساخت. بله رسانه همان پیام است، چنانچه رسانه پیامی چون خون نافذ و جاوید و پیام‌رسانی چون زینب داشته باشد.

شیوه‌های تبلیغی اثربخش پیام زینب

شناخت شیوه‌های تبلیغ و به‌کارگیری ابزارهای مفید و لازم برای مبلغ ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. تبلیغ بدون اطلاعات مفید و عدم به‌کارگیری شیوه‌های لازم و فراهم نکردن سازوکارهای مناسب، نه تنها نتیجه مثبتی نخواهد داشت، ممکن است در اثر بی‌توجهی، لطمه‌های جبران‌ناپذیری به اعتقادات و باورهای مخاطبان وارد آید. پیامبر اکرم(ص) فرمود: «من امر بمعروف فلیکن امره ذلک بمعروف»، هر کس مردم را به کارهای نیک بخواند، باید با شیوه نیکو آن را انجام دهد.^۱ در این گفتار، به اختصار به برخی روش‌ها و شیوه‌های مؤثر و کارآمد تبلیغی

که زینب(ع) پس از واقعه عاشورا به بهترین وجه ممکن در زمان اسارت از طریق خطبه‌ها و مرثیه‌های آتشین و جانگداز به خدمت گرفت، اشاره می‌شود.

بهره‌گیری از تحریک عواطف مخاطبان

گاهی ممکن است مبلغ به‌منظور تحت تأثیر قرار دادن مخاطبان خود از شیوه تحریک عواطف برای بیدار کردن وجدان‌های خفته کمک بگیرد. خداوند متعال در قرآن از این روش برای دور کردن انسان از گناه استفاده می‌کند و برای بیدار کردن وجدان‌های خفته مخاطبان خویش، انگیزه‌های فطری آنان را به کار می‌گیرد و با طرح سؤالات عاطفه‌برانگیز سعی در هدایت و تلطیف قلب و روح آنان دارد. مبلغ موفق، از این شیوه بهره می‌گیرد و افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. او در شرایطی که روح شنوندگان خود را با طرح سؤالات و نکات عاطفی و احساس‌برانگیز آماده پذیرش سخنان خود کرده است، به نحو شایسته‌ای در وجود آنان رسوخ می‌کند و بر تأثیر سخن خود می‌افزاید. این روش در حماسه عاشورا جایگاه ویژه‌ای دارد تا جایی که نام حسین علیه‌السلام، زینب(س)، عاشورا، کربلا و دیگر واژه‌های مقدس پس از آن واقعه، در هر مکانی عاطفه‌ها و احساسات مقدس را برانگیخته و مایه رشد، بقا و هدایت آنان شده است. حضرت زینب(س) در موارد متعددی از تحریک عواطف در رساندن پیام عاشورا بهره می‌گرفت. در آخرین لحظات عمر امام حسین(ع)، زینب(ع) از خیمه‌ها بیرون آمد و متوجه شد که امام را به شهادت می‌رسانند و عمر بن سعد در نزدیکی گودال قتلگاه ایستاده و به این منظره رقت‌بار و غم‌انگیز نظاره می‌کند. آن حضرت به آن ملعون نهیب می‌زند و وجدان خفته او را مخاطب قرار می‌دهد و می‌فرماید:

«أ یقتل اباعبداء... و انت تنظر الیه» ای عمر بن سعد! آیا ابا عبد... را می‌کشند و تو تماشا می‌کنی؟ این سخن حضرت به‌عنوان مبلغ حماسه عاشورا چنان قاطع و کوبنده بود که لحظاتی دل سنگ دشمن را تکان داد و دقایقی وجدان خفته عمر سعد را متأثر ساخت تا جایی که اشک بر گونه‌هایش جاری شد. او از شدت شرمندگی صورت خود را از حضرت زینب(ع) مخفی کرد. آنگاه ایشان با جمله‌ای دیگر خطاب به لشکریان حاضر در صحنه گفت: "و یلکم اما فیکم مسلم"؛ "وای بر شما! آیا در میان شما یک مسلمان نیست؟ این کلمات سوزناک و عاطفه‌برانگیز چنان مؤثر بود که ثمرات آن در سال‌های بعد نمایان شد و تا به امروز انسان‌های بیدار و باوجدان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و به اهداف عاشورا متوجه می‌سازد.^۱

استفاده از سؤال معکوس

استفاده از سؤال معکوس برای ایجاد انگیزه و تحریک عواطف با تأکید شدید از دیگر جلوه‌های تبلیغی و از مصادیق شیوه‌های احساس‌برانگیز است؛ آنجا که در خطبه‌ای می‌فرماید: "اتبکون نتحبون! ای وا... فابکو کثیراً وضحکوا قليلاً فلقد ذهبتم بعارها و شنارها ولن ترحضوا بغسل بعدها ابدا" تأثیر روانی و عاطفی این سخنان به حدی بوده که راوی (خزیم اسدی) می‌گوید: «به خدا سوگند مردم را در آن روز دیدم که حیران و سرگردان می‌گریستند و دست‌هایشان را بر دهان می‌گذاشتند و انگشت می‌گزیدند...». شیوه‌های حضرت زینب(س) به سبب تأثیرگذاری و به موقع بودن در ابلاغ پیام شایان توجه است؛ اما آنچه در خور تأمل بیشتری است، "حق‌محوری" در ابلاغ پیام در عین برانگیزانندگی کلام است (مروت، ۱۳۸۲)؛ بی‌تردید کمتر مبلغ و بیدارگری است که در بیان واقعیات، آن گونه که عینیت یافته، از مسیر حق‌گویی خارج نشود؛ حتی اگر تهییج و برانگیزانندگی کلامش موجب بیداری عده دیگری از غافلان و شاهدان چنین واقعه در دناکی شود.

مخاطب‌شناسی زینب

مطالعه و مذاقه در خطبه ایرادشده توسط آن حضرت گویای این واقعیت است که ایشان از مخاطب‌شناسی مثال‌زدنی برخوردار بودند و با مروری بر حوادث ناگوار تاریخی پیش از آن، کمتر روایت‌گری، این گونه موفق به تهییج عواطف مخاطبان و اثرگذاری بر آنان شده است و این مهم جز با شناخت و درک عمیق روحیات و خلقیات مخاطبان امکان‌پذیر نیست. مقایسه گفت‌وگوهای ایشان با مردم کوچه و بازار یا مطابقت خطبه ایشان در مقابل حاکم جائر، ابن زیاد، با خطبه‌ای که در برابر یزید، فرد فاسد و دست‌نشانده، بیان داشتند، به وضوح تفاوت‌هایی در به‌کارگیری الفاظ و کلام ملاحظه می‌شود. آن بزرگوار به خوبی آگاه بودند زمانی که با مردم صحبت می‌کنند باید روی چه نکاتی تأکید ورزند و زمانی که در برابر فاسقان زمانه ظاهر می‌شوند از چه الفاظ و تعبیری برای عبرت‌آموزی و تنبیه آنان استفاده کنند و زینب(س) همچون کسی که به خوبی روان‌شناسی مخاطبان را می‌شناسد، وقتی که در برابر بانوان، مردان و کودکان قرار می‌گیرد، متناسب نوع افراد و مقتضیات زمان از ادبیات متفاوتی استفاده می‌کند و همواره سابقه تاریخی، فکری و فرهنگی کوفه را با شام به گونه‌ای متفاوت و مختص به خود در نظر می‌گیرد. آن زمان که با مردم سخن می‌گوید کلامش ملامت‌گر، و هنگام ایراد خطبه و صحبت با قدرتمندان و متجاوزان به حریم ولایت، زبان تهدید را به کار می‌گیرد (فرهمند، ۱۳۸۴).

نحوه به‌کارگیری و ترکیب الفاظ و عبارات در کلام و خطبه آن حضرت، علاوه بر نمایان ساختن

فصاحت، بلاغت و توانمندی علمی ایشان، حکایت از شناخت عمیق آن بانوی عالمه از نوع مخاطب و مقتضیات زمان و مکان دارد. استفاده از واژه «یابن الطلقاء» خطاب به یزید از جمله مصادیق بارز مخاطب‌شناسی اوست.

مقدمه‌چینی و آماده کردن مخاطبان

هر سخنور زبردست و مطلعی به‌خوبی می‌داند برای آنکه کلام و پیامش در مخاطبان مؤثر افتد، باید قبل از آغاز و طرح موضوع اصلی سخنرانی، زمینه مناسبی را با هدف آماده‌سازی مخاطبان فراهم کند تا امکان نفوذ پیام و کلامش، مطابق انتظار فراهم شود.

برای القا و نفوذ کلام، فراهم کردن زمینه‌های لازم و بیان مطالبی با مقدمه‌چینی لازم، نقش بسیار مهمی در نفوذ سخنان یک مبلغ در دل مخاطب خویش دارد. این عمل سبب می‌شود که گفته‌های مبلغ با جذابیت بیشتری در دل شنونده بنشینند. بسیاری از نکات مهم را که به‌سادگی نمی‌توان بیان کرد، می‌توان با زمینه‌سازی مناسب و به‌طور شیوا و دل‌انگیز به گوش مستمع رساند. در فرهنگ عاشورا برای بیداری مردم غفلت‌زده، از این شیوه استفاده شده است. حضرت زینب در خطبه‌های روشن‌گرانه خود در کوفه و شام آنچنان به این مهم عنایت می‌کردند که بعد از اتمام سخنرانی، مردمی که قبل از ایراد خطبه، او و همراهانش را اسرای خارجی و دشمنان خویش می‌پنداشتند، بعد از ایراد خطبه، حقیقت را می‌فهمیدند، ناله و با صدای بلند گریه می‌کردند تا جایی که یزید در آستانه تهدید به سقوط قرار می‌گرفت. آن حضرت بعد از حمد و ثنای پروردگار و درود و تحیت بر پیامبر خدا، ابتدا به‌طور خلاصه نکات شایان توجهی در بی‌وفایی دنیا و گذشت زمان و عمر انسان‌ها و ثمر نداشتن پشیمانی بعد از فوت وقت ابراز می‌داشتند؛ سپس سابقه درخشان خاندان پیامبر را شرح و حقیقت حادثه عاشورا را که تا آن زمان، از نظر مردم مخفی نگه داشته شده بود، برای آنان بیان می‌کرد تا به این طریق با تحریک عواطف و احساسات جمعیت حاضر، قلب‌ها را به‌سوی خویش جذب کند و نتیجه مطلوب را به‌دست آورد.^۱

فصاحت و بلاغت در زبان تبلیغ

ابلاغ پیام تبلیغ با زبان قابل فهم و درک برای مخاطب مورد نظر، اصلی بنیادین در میزان اثربخشی پیام تبلیغی است. زبان تبلیغ باید جذاب، گیرا و متناسب با شرایط و روحیات گیرنده پیام باشد. هسته اصلی پیام که همان «معنا» است، باید با زبان توانایی تبلیغ، قدرت نفوذ در ذهن و اندیشه مخاطب را پیدا کند. بنابراین نوع الفاظ و واژگان و نحوه به‌کارگیری آنها در قالب

پیام اثربخش برای مخاطبان بسیار تعیین‌کننده و اساسی است. مبلغ باید با زبان قابل درک و فهم برای مخاطب سخن بگوید، واژه‌های ملموس به کار ببرد تا بتواند با مخاطب ارتباط برقرار کند و پیام تبلیغی خود را منعکس سازد (سیدمحسنی، ۱۳۸۱: ۶، نقل به مضمون).

از ویژگی‌های بارز کلام زینب(س) بلاغت، فصاحت و صلابت در گفتار بود که بسیار به بیان امیر مؤمنان(ع) همانند بود و چه عمیق و تأثیرگذار بر دل و جان مردم غافل و حتی حاکمان زور و تزویر می‌نشست، تا جایی که از بیم به خطر افتادن حکومت یا جان ناپاک خویش به وحشت می‌افتادند. خطبه‌های فصیح و رسای آن بزرگوار با مضامین والای اعتقادی، چهره واقعی کوفیان را آشکار می‌کرد. بشیر بن خذیم اسدی می‌گوید: «در آن روز به زینب(س) دختر علی(ع) نگریستم؛ زیرا هرگز زنی را سخنگوتر و زبان‌آورتر از او ندیدم، گویا با زبان پدرش امیر مؤمنان(ع) سخن می‌گفت». در هر یک از خطبه‌های آتشین زینب، این ویژگی‌های سخن‌وری و ضروری در نفوذ پیام، همچون خطبه‌های جانسوز علی(ع) مشهود و بارز است (فرهمند، ۱۳۸۴).

در نقل‌های تاریخی آمده است که وقتی آن حضرت در کوفه شروع به صحبت می‌کردند، مردم می‌گفتند که گویا قبلاً آن را شنیده‌ایم. خطبه‌های ایشان چه در فصاحت و بلاغت، شیوایی و قدرت و استحکام، و چه در محتوا و عمق معنا، یادآور خطبه‌های حضرت امیر(ع) بود و از این‌رو می‌توان دریافت که سخنوری را در مکتب پدر و محیط تربیتی خانواده فرا گرفته است (همان)؛ و این گونه کلام نافذ زینب، دوستداران اهل بیت را منقلب و دشمنان و ظالمان به خاندان پیامبر را به هنگام خطابه تا آنجا متزلزل و مغبون می‌کرد که انگشت ندامت می‌گزیدند و اشک حسرت بر گونه‌هایشان جاری می‌شد.

یادآوری و تکرار عظمت خاندان رسول(ص) و انداز خاندان یزید

زینب(س) در هر منزل قبل از خواندن خطبه، پیامبر و اهل بیتش را به بزرگی یاد می‌کرد و در مقابل، خاندان بنی‌امیه و یزید را با استخدام الفاظ و عبارات فصیح و رسا به کرات، نکوهش و سرزنش می‌کرد و از فرجام این عمل شنیع، آنان را بیمناک می‌کرد. آنجا که می‌فرمود: "العدل یا بن الطلقاء و..." یا در عبارت دیگر می‌فرماید: "و کیف ترتجی مراقبه من لفظ قوه اکباد الازکیاء و نسبت لحمه بدما الشهداء" (مروت، ۱۳۸۲).

در بیان عظمت خاندان حضرت رسول(ص) و مظلومیت امام حسین(ع) نیز می‌فرمود: «منتحیاً علی ثنایا ابی عبدالله سید شباب اهل الجنه» یادآوری وعده عذاب الهی در روز قیامت، سرافکندگی یزید در پیشگاه رسول خدا و انتقام حق تعالی از او، از جمله نکات مهمی بود که در این خطبه به چشم می‌خورد. آنچه موجب شد یزید ملعون در آن لحظه ابراز پشیمانی کند، ندامت از عمل خود نبود، بلکه اعلام شکست او در جنگ روانی علیه اهل بیت بود (همان)؛ در

این میان هوشمندی و نقش هشداردهنده زینب در مواجهه خردمندان و شجاعانه با خلفای جور بسیار شایسته تأمل و پندآموز است؛ و شاید از همین روست که یادآوری به موقع جایگاه و منزلت خاندان رسول به مثابه شیوه‌ای بیدارگرانه به کرات از سوی ایشان به کار گرفته شده است.

ارتباط رو در رو در مناظرات و مجالس

ارتباط مستقیم ارتباطی است که بدون واسطه بین شخص پیام‌دهنده و پیام‌گیرنده ایجاد می‌شود. در این نوع ارتباط، طرفین به نوبت نقش خود را تغییر می‌دهند و در جایگاه پیام‌گیرنده و پیام‌دهنده قرار می‌گیرند (معمدنزاد، ۱۳۸۳: ۴۷).

آنچه موجب اثربخشی بیشتر جلسات مناظره زینب در شام و کوفه شد، ارتباط رو در رو و معطوف به هدف؛ هدفی خاص، ازپیش‌تعیین‌شده و برخوردار از برنامه‌ای مدون (ساروخانی، ۱۳۶۸: ۱۸)؛ و بر خلاف برخی اقوال ارتباط‌های مستقیم آن حضرت و مواجهه با حاکمان ستمگری چون ابن زیاد و یزید ارتباط احساس‌برانگیز با هدف انتقال احساس و عواطف و صرفاً برانگیزاننده نبوده است؛ بلکه اهداف متعالی‌تری را در برداشته است؛ اهدافی که در مواجهه مستقیم و چهره به چهره ظالم و مظلوم و در قالب مناظراتی تهدیدآمیز و سرزنش‌گر محقق می‌یافت.

بی‌شک، یکی از رموز موفقیت زینب(ع)، در دفاع از جایگاه معنوی اهل بیت(ع) و سست ساختن پایگاه فکری بنی‌امیه، خطبه‌های آن حضرت در مسجد کوفه و عمارت شام در برابر ابن زیاد و یزید به‌طور مستقیم و چهره در چهره بود.

استدلال‌های قوی و بیانات متین عقیده بنی‌هاشم، چهره عبیدا... را مخدوش و جایگاه عظیم حق را بر همگان آشکار کرد. نقطه عطف این گونه مناظرات مستقیم پیام‌رسان کربلا در مجالس فاسقان، امکان بیان دیدگاه‌ها و اندیشه‌های عمیق آن حضرت در زمینه مصیبت وارده و نقش تأثیرگذار آن در تربیت انسان‌هایی است که زرق و برق دنیای مادی آنان را از مسیر حق و سبیل نجات گمراه ساخته است (مروت، ۱۳۸۲). نکته شایان تأمل در این نوع ارتباط آنکه، شیرزنی با زبان علی در کام می‌باید تا در برابر سلطه حاکم جور و جو خفقان سرشار از نیرنگ، تزویر و ریای دستگاه بنی‌امیه، بی‌درنگ در برابر گستاخی‌ها و عبارات تحقیربرانگیز پاسخی دندان‌شکن دهد؛ همچون آنجا که عبیدالله با مقصد خوار شمردن اهل بیت گفت: "دیدنی خدا با خاندانت چه کرد؟" که آن حضرت نیز در پاسخ بی‌تأملی فرمود: "ما را یت الاعمیلا" ... صلابت و استقامت آن بزرگوار جنبه عملی دیدگاه ایشان را نسبت به مصائب بیان می‌دارد. گفت‌وگوهای مستقیم و رو در روی ایشان با اهل مدینه، مصر و شام نیز فرصت مغتنمی برای شیرزنی چون او بود که به بیان فلسفه قیام حسینی و دعوت به مقاومت در برابر حکومت غاصب بپردازد (همان).

برپایی مجالس سوگواری

از جمله شیوه‌های دیگر اثربخش تبلیغ دینی زینب(ع) بعد از واقعه عاشورا، برپایی مجالس سوگواری و نوحه‌سرایی در مدینه و حرم مطهر نبوی بود. این اقدام چنان بر والی مدینه سخت آمد که طی نامه‌ای به یزید، او را از اقدامات فرهنگی آن حضرت آگاه کرد، و خواستار ارائه راهکاری از سوی یزید شد. آنچه در این زمینه شایان تأمل و توجه است، اذعان والی مدینه به عقل، سخنوری و دانش آن عالمه(س) و تأثیربخشی فوق‌العاده کلام اوست. هشدار والی مدینه به یزید، از احتمال وقوع قیامی دیگر به رهبری زینب(س) و هوادارانش برای خونخواهی حسین(ع) موجب شد که یزید دستور به جدایی ایشان و تبعید صادر کند.

مجالس سوگواری حضرت زینب(س) به‌مثابه نهاد و ابزار تبلیغاتی مؤثری در بیدارگری مسلمانان غافل تا آنجا ادامه یافت که برخی قبایل و عشایر که در معرض بیدارگری‌های وی قرار گرفتند، در فکر قیام و خونخواهی حسین(ع) برآمدند. جلوه‌های دیگر تبلیغی آن بزرگوار از طریق وعظ و خطابه و ندبه حتی در تبعید به مصر نیز دستگاه امویان را به لرزه و مخاطره می‌انداخت و از این طریق نیز پیام عاشورا در قالب یک انقلاب و خیزش فرهنگی ممتاز، مخاطبان و افکار عمومی را به حماسه‌ای در جهت خونخواهی حسین(ع) تهییج ساخت.

نتیجه‌گیری

زینب کبری(س) از جمله شخصیت‌های نمونه و منحصر به فردی است که مادر گیتی از آوردن امثال آن چهره فروزنده ناتوان است؛ ولی مسئولیت پیام‌رسانی و ابلاغ رسالت حسین(ع) به حدی خطیر و بزرگ است که حتی شخصیت قدسی آن بزرگوار نیز نیازمند آمادگی قبلی و تربیتی ویژه بود. تحمل رنج و مصائب بسیار قبل از واقعه عاشورا و قرار گرفتن در خانواده‌ای که زن به اندازه مرد ظرفیت درک، تشخیص وظیفه و عمل به آن را بر دوش می‌کشد، از او شخصیتی جامع و استوار ساخت تا از عهده ابلاغ رسالت سنگین امام زمان خویش به شایستگی برآید. امانتی که تنها در سایه شخصیت خودساخته و اسطوره‌ای او می‌توانست به سرمنزل مقصود رسد؛ و این میسر نمی‌شد چنانچه آن بانوی عالمه از ابزار و شیوه‌های اثربخش ابلاغ پیام به‌خوبی آگاهی نمی‌داشت؛ و بدین سان حضرت زینب(س) رسالت سنگین پیام‌رسانی نهضت عاشورا را به نیکوترین وجه به سرانجام رسانید.

بنابراین، حرکت آن حضرت در به ثمر رساندن پیام عاشورا، برآیند شناخت عمیق دینی، جامعه‌شناسی، مخاطب‌شناسی، ارتباط‌شناسی و روان‌شناسی دقیق است که به زعم نگارنده این سطور، عواملی چون وجوه شخصیتی و ویژه پیام‌رسان عاشورا به‌عنوان منبع موثق و معتبر و نیز ابزار و شیوه‌های خاص به‌کارگرفته‌شده برای ابلاغ پیامش به‌مثابه راهبردهایی با کارکردهای

تأثیرگذار جایگاه و اهمیت زیادی دارد. در اثبات این ادعا نیز کافی است نظری به تاریخ افکند تا ساری و جاری بودن آثار آن پیام خونین و رسا را طی نسل‌های متوالی مشاهده کرد؛ به گونه‌ای که آن شعله‌ای که به زعم دشمنان سیه‌دل در حال خاموش شدن بود، به آتشی مبدل شد که همواره در سینه اهل بیت و حتی ابنای حق‌جوی بشر، پیوسته فروزان است؛ و این همه میسر نمی‌شد اگر در کربلا پیام‌رسانی آگاه به زمان و مکان، شجاع، صدیق و عالم‌ای چون زینب نبود.

منابع

۱. حاتمی، افسانه (۱۳۸۳). برترین اسوه شکیبایی، رسالت.
 ۲. _____ عاشورا و نقش بی‌همتای زینب(س)، هوشمند، ش ۳۴.
 ۳. حاجیان، زهرا (۱۳۸۲). حضرت زینب(س) منادی بزرگ حقیقت، خراسان.
 ۴. راحمی‌پور، فتانه (۱۳۸۳). برای تحمل این مصیبت‌زنی چون زینب می‌باید، کیهان.
 ۵. ساروخانی، باقر (۱۳۶۸). جامعه‌شناسی ارتباطات، مؤسسه اطلاعات، چ دوم.
 ۶. سید محسنی، سید شهاب. "تبلیغات، مخاطب‌پژوهی و اثربخشی"، هنر هشتم، ش ۲۶، تابستان ۱۳۸۱.
 ۷. _____ راز جاودانگی (۱۳۸۲). انگاره‌های مختلف در تحلیل تاریخی قیام عاشورا، جام جم.
 ۸. فرهمند، فهیمه (۱۳۸۴). حضرت زینب (س) پرستار روح، ایمان و اندیشه انسان در تمامی اعصار است، قدس.
 ۹. معتمدنژاد، کاظم (۱۳۸۳). وسایل ارتباط جمعی، راین گرافیک، چ چهارم.
 ۱۰. مروت، طیبه (۱۳۸۲). حضرت زینب(س) پایه‌گذار انقلاب فرهنگی، قدس.
 ۱۱. شیوه‌های تبلیغ در فرهنگ عاشورا.
- <http://www.tebvan.net/monasebat/82/html/moharam-shiveh.html>
- پیام‌آوران عاشورا
- <http://www.khamenei.ir/fa/views/ashore/ashora11.jsp>
- زینب کبری(س) شاه‌بیت غزل عشق و عرفان
- <http://www.zeinabekobra.com/maghalat/onlain.htm>
- حدیث عشق دو باب است
- <http://www.pashtu.trib/hazrat/20zainab.html>
- رساندن پیام
- <http://www.ashoura.com/index2/maghalat/6/3.htm>

